

ارائه الگویی برای تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور فاطمه یزدانی^۱، اصغر شریفی^۲، محمدنقی ایمانی^۳

چکیده

هدف این پژوهش ارائه الگویی برای تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا آمیخته (کیفی و کمی) بود. جامعه آماری در بخش کیفی خبرگان آموزش و پرورش و در بخش کمی معلمان مدارس ابتدایی کشور (۳۵۸۰۰۰ نفر) بودند. حجم نمونه در بخش کیفی با استفاده از اصل اشباع نظری ۱۰ نفر تعیین که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و در بخش کمی با استفاده از فرمول کوکران ۸۴۰ نفر تعیین که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش بخش کیفی مصاحبه‌های ساختاریافته و بخش کمی پرسشنامه محقق‌ساخته ۱۶۰ سوالی تربیت شهروند حرفه‌ای بود. روایی صوری، محتوایی و سازه ابزار تأیید و پایایی ابزار با روش آلفای کرونباخ برای عوامل اثرگذار بر شهروند حرفه‌ای (درون‌داد) ۰/۸۳، فرایند ۰/۷۹ و شهروند حرفه‌ای (برون‌داد) ۰/۷۷ محاسبه شد. در بخش کیفی داده‌ها با روش کدگذاری نظری و در بخش کمی با روش‌های تحلیل عاملی، مدل‌یابی معادلات ساختاری و آزمون تی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که عوامل مؤثر در تربیت شهروند حرفه‌ای شامل سه دسته درون‌داد، فرایند و برون‌داد است و مولفه‌های شناسایی شده الگوی شهروند حرفه‌ای برآزش مناسبی داشتند.

کلید واژه‌ها: تربیت، شهروند حرفه‌ای، آموزش و پرورش ابتدایی.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۵/۱۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۳

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

df.yazdani@gmail.com

۲- استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (نویسنده مسئول)

drasharifi@gmail.com

۳- استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

imani1348@yahoo.com

مقدمه

شهروندی از مهمترین ایده‌های اجتماعی است که به منظور کمک به شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتار پدید آمده است. شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد و چهارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۹۰). امروزه همزمان با از بین رفتن مرزها و جایگزین شدن سازمان‌های غیردولتی و فعال شدن نهادهای نوین آموزشی، رسالت‌های جدیدی در محافل علمی پا به عرصه وجود نهادند. تغییرات بسیار سریع در نظام مدیریت دانش و مدیریت آموزش عالی جهان، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی را با چالش‌های جدیدی مواجه کرده است. چون که با توجه به تغییرات محیطی ناچار به تجدیدنظر و بازاندیشی در فرایندهای یاددهی و یادگیری می‌باشند و انتظارات جدید یادگیرندگان باعث تلاش برای بهبود سطح کیفیت آنان شد. این امر تغییر مرزهای حرفه‌ای را در نظام آموزشی می‌طلبد. نظام‌های آموزشی به‌ویژه نظام آموزش و پرورش باید در هزاره سوم آموزش و تربیت متناسب با این دوره یعنی تربیت شهروند حرفه‌ای^۱ را آغاز نماید (قورچیان و افتخارزاده، ۱۳۸۵). یکی از مباحث مهم امروز جهان حقوق شهروندی و تربیت شهروندی است و مباحث مربوط به آن طی قرن اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است. سابقه پرداختن به تربیت شهروندی در جوامع غربی به زمان حکمای بزرگ یونان چون سقراط، افلاطون و ارسطو بازمی‌گردد. با این وجود به نظر می‌رسد که در پرتو تحولات و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی و ارتباطی که نقش بسزایی به افزایش آگاهی‌های مردم داشته است، ضرورت پرداختن به این موضوع در جوامع کنونی به‌ویژه در جوامع اسلامی نیز احساس می‌شود (محمدی، مزیدی و بهشتی، ۱۳۹۶). تربیت کشاندن آدمی به سوی ارزش‌های والای انسانی است، چنان که ارزش‌ها را بفهمد، بپذیرد، دوست داشته باشد و به کار ببرد. انسانی که به این مقام دست یابد چه بسا به گزینش ارزش‌ها پردازد و راهنما و تربیت‌کننده خویش خواهد شد و این برترین معنای تربیت است. همچنین تربیت شهروندی تربیت فرد است برای آنکه به گزینش ارزش‌های والای انسانی پردازد. تربیت شهروندی مفهومی کلی است که به مطالعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه وابسته است و می‌توان آن را آموزش شیوه‌های

^۱. Professional Citizen

مسالمت‌آمیز زندگی به طور خاص در یک جامعه ملی و یا به طور عام در جامعه جهانی دانست (کیشانی فراهانی، فرمehنی فراهانی و رهنما، ۱۳۹۲). یکی از مسائل مهمی که در رابطه با مفهوم شهروند و شهروندی وجود دارد این است که چگونه می‌توان آن را تعلیم داد تا بر اساس آن شاهد اجرای صحیح آن در جامعه و شناخت وظایف و تکالیف مبتنی بر آن بود. در این رابطه صاحب‌نظران نهاد آموزش و پرورش را بهترین مکان برای آموزش و تعلیم این مقوله می‌دانند. آن‌ها معتقدند چون که نهاد آموزش و پرورش بعد از خانواده دومین محیطی است که کودکان و نوجوانان قسمت اعظم وقت خود را در آن سپری می‌کنند و نقش مهمی در رشد شخصیت و انتقال دانش و مهارت‌های زندگی به آنها دارد. در نتیجه آشنایی با شهروند و شهروندی از جمله مهارت‌هایی است که در نهاد آموزش و پرورش باید آموزش داده شود و دانش‌آموزان رده‌های مختلف سنی و تحصیلی باید حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های شهروندی را در نهاد آموزش و پرورش فراگیرند (الهیاری، ۱۳۹۴). نگاهی گذرا به سابقه نظام آموزش و پرورش کشور و توجه به تحقیقات انجام شده در این زمینه بیانگر این واقعیت است که آموخته‌های نظری و عملی حاصل از این آموزش‌ها جهت پرورش شهروند حرفه‌ای با واقعیات موجود در خصوص شهروند حرفه‌ای کشورهای پیشرفته جهان تفاوت دارد. از یک سو تغییر ماهیت بازار اقتصادی و اشتغال و دانش‌محور شدن آنها و تنوع نیازهای آموزشی به‌ویژه یادگیری مادام‌العمر و از سوی دیگر انفجار اطلاعات، ماهواره‌های مخابراتی نوری، و مهندسی مجدد ساختار محتوی و روش‌های آموزشی نظام آموزش کشور را تحت تأثیر قرار داده است (هلندورث، دونوان و ولچ^۱، ۲۰۱۷).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که محتوی نظام آموزش و پرورش کشور تقریباً به طور مستقیم از اهداف کلی نظام و مقاصد اصلی در همه سطوح سرچشمه نگرفته است و از محتوی آموزشی و اهداف فاصله دارد. بنابراین فراگیران آموزشی را که آنان را به شهروندان حرفه‌ای تبدیل نماید دریافت نمی‌کنند. در نتیجه برای جامعه پیچیده و دشوار امروز آماده نمی‌شوند. مدارس در شبکه پیچیده‌ای از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی عمل کرده و در معرض انتظارات و انتقادات زیادی از سوی جامعه قرار دارد (فزون‌ی شرجینی، پیری و اسدیان، ۱۳۹۵). در گزارش اخیر مطالعه تربیت شهروندی انجمن بین‌المللی ارزشیابی و

^۱. Hollandsworth, Donovan & Welch

پیشرفت تحصیلی بیان شده که تمامی جوامع معاصر دارای این نگرانی و دل‌مشغولی عمیق هستند که چگونه نوجوانان و جوانان را برای زندگی شهری و شهروندی آماده کنند و راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی را به آنها بیاموزند. در گزارش ذکر شده که تربیت شهروندانی فعال و مؤثر یکی از هدف‌های مهم و کلیدی در برنامه درسی بسیاری از کشورها می‌باشد (موک و لی^۱، ۲۰۱۷). گرچه هیچ کس رد نمی‌کند که آموزش و پرورش عمومی باید برای دانش‌آموزان دانش و مهارت را تدارک ببیند تا بتوانند مشاغل را به دست آورند و در اقتصاد امروز مشارکت نمایند، اما بسیاری از مردم معتقدند که مدارس باید مهارت‌هایی را برای مشارکت دانش‌آموزان در زندگی اجتماعی، محلی، منطقه‌ای و ملی فراهم سازد (بیولیو و لی‌تیک^۲، ۲۰۱۷).

چندلر و هاوولی^۳ (۲۰۱۷) معتقدند که اغلب نواحی آموزش و پرورش تربیت شهروندی را به‌عنوان یک موضوع درسی در دوره‌های تعلیمات مدنی در نظر گرفته‌اند، با این حال علیرغم این تعهد آشکار به آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مشارکت در دموکراسی تعداد کمی از مناطق آموزشی از میزان موفقیت خود در این زمینه ارزیابی مناسبی داشتند. همچنین آنان برای یک شهروند مطلوب چهار عنصر یا ویژگی دانش، تفکر، تعهد و عمل را معرفی می‌کنند. رابنستین^۴ (۲۰۱۷) معتقد است همان اندازه که یک دانش‌آموز به مهارت و تربیت مدنی احتیاج دارد، به محتوی دانش مدنی نیز احتیاج دارد تا شهروند دموکراتیک و مشارکت‌جو شود. دانش، مهارت و تربیت مدنی بر یکدیگر بنا شده و یکدیگر را تقویت می‌کنند و باید در ابتدای دوران کودکی آغاز شود و اهمیت آنها یکسان در نظر گرفته شوند. این موارد می‌توانند از طریق تجارب مرتبط با نهاد آموزش و پرورش و خارج از آن پرورش یابند و درعین‌حال شواهد نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از دبیرستان با دانش یا علاقه کمتر در مورد دولت و امور سیاسی فارغ‌التحصیل می‌شوند.

تربیت شهروند حرفه‌ای نقش موثری در جامعه دارد. از این رو عوامل تاثیرگذار بر آن از اهمیت زیادی برخوردار است. قورچیان و افتخارزاده (۱۳۸۵) عوامل اثرگذار بر شهروند حرفه‌ای را شامل صلاحیت‌های مختلفی مانند هوشی و فکری، تکنولوژیکی (فناورانه)، اقتصادی، مدیریت و رهبری، اجتماعی، فرهنگی، پژوهشی، معنوی، اخلاقی و مذهبی، جهانی و بین‌المللی، فردی،

¹. Mok & Lee

². Beaulieu & LeThiec

³. Chandler & Hawley

⁴. Rubenstein

محیطی و سیاسی می‌دانند. قائدی (۱۳۸۵) عوامل مؤثر بر تربیت شهروند حرفه‌ای را فناوری اطلاعات، جهانی شدن و استفاده از رویکردهای دموکراتیک معرفی می‌کند. هاشمی (۱۳۸۹) ضمن پژوهشی گزارش کرد که ویژگی‌های شهروند حرفه‌ای از عوامل مختلفی شامل ابعاد فردی (اعتماد به نفس، احترام، استقلال، ابتکار، اراده و مسئولیت‌پذیری) و ابعاد اجتماعی (احترام به دیگران، مشارکت و ارتباط مؤثر با دیگران، دموکراسی و مردم‌سالاری، توجه به ارزش‌های اجتماعی، احترام به میراث فرهنگی و نهادهای ملی، احترام به قانون و عمل به قانون تحت هر شرایطی) تشکیل می‌شود. از نظر فزونی شرحینی و همکاران (۱۳۹۵) برنامه درسی که شامل اهداف، محتوی، ارزشیابی و فعالیت‌های یاددهی و یادگیری است نقش مؤثری در تربیت شهروند حرفه‌ای دارند.

کوتسلینی^۱ (۲۰۰۹) برنامه درسی پنهان را یکی از عوامل اثرگذار بر تربیت شهروند حرفه‌ای معرفی می‌کند. شهری، عبدی، یزدان‌خواه و حیدری (۲۰۱۵) توانمندسازی و ارتقای صلاحیت دست‌اندرکاران آموزشی را یکی از عوامل مؤثر بر تربیت شهروند حرفه‌ای عنوان کرد. اسپکتور-لوی و آبراموویچ^۲ (۲۰۱۷) برنامه درسی حرفه‌ای را از عوامل مؤثر بر تربیت شهروند حرفه‌ای می‌دانند. هلندورث و همکاران (۲۰۱۷) فناوری را عامل اثرگذار بر تربیت شهروند حرفه‌ای معرفی کرد. رید، سید و دیویس^۳ (۲۰۱۷) معتقدند که روش تدریس، برنامه درسی و کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری بر تربیت شهروند حرفه‌ای مؤثر هستند. هودا، سبانی، شهریل، جاسمی، باسیرون و ماستری^۴ (۲۰۱۷) بهبود فرهنگ را از عوامل اثرگذار بر تربیت شهروند حرفه‌ای می‌دانند. گراوس، تونسون، آفر و هیریرا^۵ (۲۰۱۷) معتقدند که تربیت شهروند حرفه‌ای پیامدهای چون استقلال، تعهد و بهبود دانش را در پی دارد. همچنین بی^۶ (۲۰۱۷) گزارش کرد که تربیت شهروند حرفه‌ای موجب ایجاد شهروندانی مسئول و آرمانی می‌گردد.

مدارس اثربخش دارای معلمانی هستند که به طور داوطلبانه، اختیاری و بدون هیچ توقعی علاوه بر انتظارات و الزامات رسمی نقش خود برای کمک به مدیر، دیگر معلمان و دانش‌آموزان از

1. Koutselini

2. Spektor-Levy & Abramovich

3. Reed, Said & Davies

4. Huda, Sabani, Shahrill, Jasmi, Basiron & Mustari

5. Groves, Townson, Ofer & Herrera

6. Bee

هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند (عابدی کوشکی و زین‌آبادی، ۱۳۹۵). صرف‌نظر از درک اهمیت تربیت شهروندی و ضرورت توجه به آن یک مساله اساسی برای اغلب کشورها و صاحب‌نظران خصوصیات و ویژگی‌های شهروند مطلوب می‌باشد. همچنین با توجه به شرایط کنونی در سازمان‌های آموزشی از جمله آموزش و پرورش وجود برنامه‌های منسجم برای تربیت شهروند حرفه‌ای ضروری است. توجه به تربیت شهروند حرفه‌ای در مدارس از الزامات برای دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مهمترین وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها زیرساختی مناسب برای ایجاد منابع انسانی توانمند است. این سازمان بدون نیروی توانمند و شایسته که بتواند دستیابی به اهداف تعیین شده سازمان را فراهم کند قادر به دستیابی به اهداف تعیین شده نخواهد بود. در نتیجه بررسی و مطالعه رویکردها و الگوهایی که بتواند به این وزارت‌خانه یا سازمان کمک کند، ضروری است. بنابراین هدف این پژوهش ارائه الگویی برای تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور بود.

روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف پژوهش ارائه یک الگو می‌باشد، لذا پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا آمیخته (کیفی و کمی) بود. جامعه آماری در بخش کیفی خبرگان آموزش و پرورش و در بخش کمی معلمان مدارس ابتدایی کشور (۳۵۸۰۰۰ نفر شامل ۱۱۱۰۰۰ زن و ۲۴۷۰۰۰ مرد) بودند. حجم نمونه در بخش کیفی با اصل اشباع نظری ۱۰ نفر تعیین که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و در بخش کمی با فرمول کوکران ۸۴۰ نفر تعیین که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در روش نمونه‌گیری هدفمند، هدف انتخاب افرادی است که بتوانند بیشترین اطلاعات را ارائه دهند. همچنین در روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ابتدا کل کشور به پنج منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم و از هر منطقه دو استان و از هر استان سه شهر و از هر شهر ده معلم با روش تصادفی طبقه‌ای با توجه به جنسیت معلم‌ها انتخاب شدند. ملاک‌های ورود در بخش کیفی برای خبرگان آموزش و پرورش شامل داشتن حداقل تحصیلات لیسانس و داشتن شغل اجرایی و آموزشی در طول خدمت و در بخش کمی برای معلمان مدارس ابتدایی شامل برخورداری از سلامت جسمی، عدم اعتیاد به مواد مخدر، عدم مصرف داروهای روانپزشکی و توافق جهت شرکت در پژوهش بودند. ابزار پژوهش بخش کیفی مصاحبه‌های ساختاریافته و بخش کمی پرسشنامه محقق‌ساخته ۱۶۰ سوالی

شهروند حرفه‌ای بود. در مصاحبه‌ها هفت سؤال اصلی و تعدادی سؤال فرعی برای درک تجارب شرکت‌کنندگان از شهروند حرفه‌ای استفاده شد. در حین انجام مصاحبه پژوهشگر با پرسش سوال‌های راهنما صحت برداشت خود را از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان ارزیابی می‌کرد. پژوهشگر در فرایند نمونه‌گیری از شرکت‌کنندگان داده‌ها را مورد تحلیل قرار داد و موارد ناقص را با دریافت اطلاعات جدید از شرکت‌کنندگان کامل کرد. بعد از انجام ۱۰ مصاحبه عوامل اصلی و فرعی شناسایی و پژوهشگر به اشباع رسید. همچنین در حین مصاحبه به جمع‌آوری نظرات در مورد شاخص‌های مناسب برای تبیین الگوی شهروند حرفه‌ای پرداخته شد و عوامل اصلی و فرعی مورد بررسی نهایی قرار گرفت. مدت زمان انجام مصاحبه بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه بود. جهت حصول اطمینان از روایی بخش کیفی پژوهشگر از نظرات خبرگان دانشگاهی و متخصصان وزارت آموزش و پرورش استفاده کرد. برای بررسی پایایی از روش پایایی بین دو کدگذار استفاده شد و درصد توافق دو کدگذار ۷۵/۱۰ درصد محاسبه شد که حاکی از پایایی مناسب می‌باشد. در بخش کمی علاوه بر اطلاعات جمعیت‌شناختی از پرسشنامه ۱۶۰ سوالی تربیت شهروند حرفه‌ای استفاده شد. این ابزار بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای از یک تا پنج نمره‌گذاری می‌شود. روایی صوری و محتوایی ابزار با نظر متخصصان و روایی سازه ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی ابزار با روش آلفای کرونباخ برای عوامل اثرگذار بر شهروند حرفه‌ای ۰/۸۳، فرایند ۰/۷۹ و شهروند حرفه‌ای ۰/۷۷ محاسبه شد. برای تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش کدگذاری نظری و در بخش کمی علاوه بر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی از روش‌های تحلیل عاملی، مدل‌یابی معادلات ساختاری و آزمون تی استفاده شد. این تحلیل‌ها به کمک نرم‌افزارهای SPSS-15 و LISREL-8/8 انجام شد.

یافته‌ها

مصاحبه با ده نفر از خبرگان در خصوص تربیت شهروند حرفه‌ای به صورت نیمه‌ساختار یافته با هفت سؤال اصلی و تعدادی سؤال فرعی انجام شد. برای بررسی مناسب بودن داده‌های برای تحلیل عاملی از ضریب KMO و آماره بارتلت استفاده شد. ضریب KMO بزرگ‌تر از ۰/۶ و تقریباً برابر با یک است که حاکی از کفایت نمونه می‌باشد. همچنین مقدار آماره بارتلت در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشد. بنابراین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. نتایج تحلیل عاملی برای شناسایی مولفه‌های تربیت شهروند حرفه‌ای در جدول ۱ گزارش شد.

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی برای شناسایی مولفه‌های تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور

تم	مقوله	زیرمقوله	تعداد شاخص
متغیرهای ورودی یا درون‌داد	اهداف و فلسفه تربیت	۱. تقویت مشارکت اجتماعی	۵
		۲. آموزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی	۴
فناوری و تجهیزات		۳. رشد سواد سیاسی	۴
		۱. به روز بودن	۳
		۲. مناسب بودن	۳
نیروی انسانی		۳. سهولت در ارائه تجهیزات فناورانه	۳
		۱. دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن	۴
		۲. دانش، مهارت و نگرش دموکراتیک	۴
معیارهای ارزیابی		۳. توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات	۳
		۱. کسب دانش	۳
		۲. شیوه تفکر	۳
استانداردها و منابع آموزشی		۳. پرورش مهارت‌های لازم برای تعاملات اجتماعی	۳
		۱. آموزش از طریق برنامه‌های درسی مجزا	۳
متغیرهای میانجی یا فرایند	آموزش‌های شهروندی	۲. آموزش از طریق برنامه‌های درسی دردم‌تنبه	۳
		۱. آموزش درباره شهروند حرفه‌ای بودن	۹
محتوای آموزشی	پداگوژی	۱. یاددهی و یادگیری پداگوژیکی	۳
		۲. پداگوژی انتقادی	۳
		۱. محتوای دانشی	۳
محتوای آموزشی		۲. محتوای مهارتی	۴
		۳. محتوای نگرشی	۳
		۱. برنامه درسی پنهان	۳
متغیرهای خروجی یا برون‌داد	شناخت مدنی	۲. تفکر انتقادی	۵
		۱. سواد سیاسی	۸
توانایی مدنی		۲. سواد اجتماعی	۱۲
		۳. سواد فرهنگی	۱۰
		۱. سواد علمی	۱۱
نگرش مدنی		۲. سواد اقتصادی	۱۱
		۳. سواد فناوری	۷
		۱. سواد اخلاقی	۱۱
		۲. سواد زیست محیطی	۹

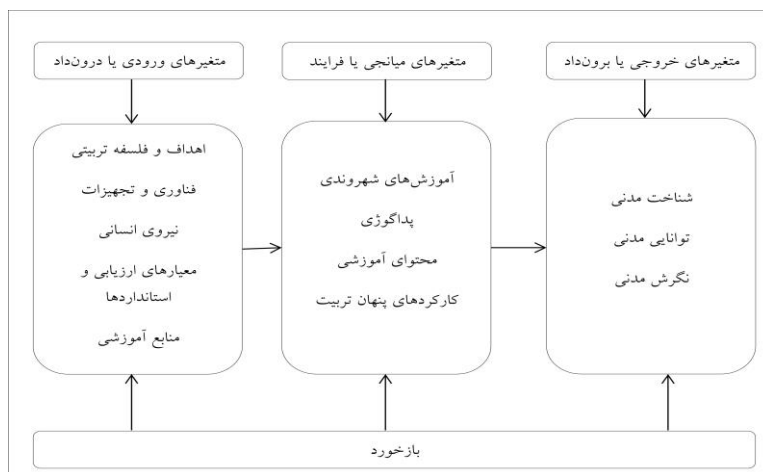
جدول ۱ نشان داد که متغیرهای ورودی یا درون‌داد شامل پنج مقوله اهداف و فلسفه تربیتی، فناوری و تجهیزات، نیروی انسانی، معیارهای ارزیابی و استانداردها و منابع آموزشی، متغیرهای میانجی یا فرایند شامل چهار مقوله آموزش‌های شهروندی، پداگوژی، محتوای آموزشی و کارکردهای پنهان تربیت و متغیرهای خروجی یا برون‌داد شامل سه مقوله شناخت مدنی، توانایی مدنی و نگرش مدنی می‌باشند. همچنین نتایج نشان داد که بار عاملی همه شاخص‌ها بالاتر از ۰/۵ بودند و عوامل توانستند ۶۴ درصد واریانس مولفه‌های تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و

پرورش ابتدایی کشور را تبیین کنند. شاخص‌های برازش الگوی تربیت شهروند حرفه‌ای در جدول ۲ گزارش شد.

جدول ۲. شاخص‌های برازش الگوی تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور

شاخص‌های برازش	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۹	بالتر از ۰/۹
نیکویی برازش	GFI	۰/۹۷	بالتر از ۰/۸
برازش افزایشی	IFI	۰/۹۳	بالتر از ۰/۹
میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۵۷	پایین‌تر از ۰/۰۸
کای اسکور هنجار شده	CMIN/df	۲/۲۲	بین ۱ تا ۵
نیکویی بارزش تعدیل‌یافته	AGFI	۰/۹۵	بالتر از ۰/۸
برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۳	بالتر از ۰/۹

جدول ۲ نشان داد که الگو وضعیت مطلوبی دارد و برازش الگو مناسب و قابل قبول است. همچنین نتایج نشان داد که ضرایب مسیر پنج مقوله متغیرهای ورودی یا درون‌داد شامل اهداف و فلسفه تربیتی ۰/۸۴، فناوری و تجهیزات ۰/۷۹، نیروی انسانی ۰/۷۰، معیارهای ارزیابی و استانداردها ۰/۷۵ و منابع آموزشی ۰/۷۹، چهار مقوله متغیرهای میانجی یا فرایند شامل آموزش‌های شهروندی ۰/۸۱، پداگوژی ۰/۸۹، محتوای آموزشی ۰/۸۸ و کارکردهای پنهان تربیت ۰/۸۶ و سه مقوله متغیرهای خروجی یا برون‌داد شامل شناخت مدنی ۰/۹۵، توانایی مدنی ۰/۹۷ و نگرش مدنی ۰/۹۸ است که همه آنها معنادار می‌باشند. علاوه بر آن بار عاملی همه آنها بزرگ‌تر از ۲/۵۸ است که همه آنها نیز با ۹۹ درصد اطمینان معنادار می‌باشند. بنابراین الگوی تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور در شکل ۱ قابل مشاهده است.



شکل ۱. الگوی تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مسائل اساسی برای اغلب کشورها و صاحب‌نظران خصوصیات و ویژگی‌های شهروند مطلوب یا شهروند حرفه‌ای می‌باشد. با توجه به شرایط کنونی در سازمان‌های آموزشی از جمله آموزش و پرورش وجود برنامه‌های منسجم برای تربیت شهروند حرفه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. توجه به تربیت شهروند حرفه‌ای در مدارس از الزامات برای دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای آموزش و پرورش است. در نتیجه هدف این پژوهش ارائه الگویی برای تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور بود.

نتایج نشان داد که الگوی ارائه شده در زمینه تربیت شهروند حرفه‌ای از جامعیت خوبی برخوردار است. بر اساس الگوهای شهروند حرفه‌ای که در ادبیات پژوهش به آنها پرداخته شد، این الگو ابعاد مختلف و بیشتری را مورد بررسی قرار داد. الگوی ارائه شده در پژوهش حاضر با الگوهای ارائه شده قبلی همخوانی دارد. برای مثال کوگان و همکاران (۲۰۰۰) در الگوی چندبعدی خود بیان کردند که بعد فردی شهروندی بر گسترش توانایی فردی و تعهد نسبت به یک اصول اخلاقی و رفتاری تاکید دارد که به لحاظ فردی و اجتماعی توسط خصلت‌های ذهنی، فکری، عشق، علاقه و عمل مشخص می‌شود. هلندورث و همکاران (۲۰۱۷) فناوری را عامل اثرگذار بر تربیت شهروند حرفه‌ای معرفی کرد. گراوس و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند که تربیت شهروند حرفه‌ای پیامدهای چون استقلال، تعهد و بهبود دانش را در پی دارد. همچنین بی (۲۰۱۷) گزارش کرد که تربیت شهروند حرفه‌ای موجب ایجاد شهروندانی مسئول و آرمانی می‌گردد. قورچیان و افتخارزاده (۱۳۸۵) عوامل اثرگذار بر شهروند حرفه‌ای را شامل صلاحیت‌های مختلفی مانند هوشی و فکری، تکنولوژیکی (فناورانه)، اقتصادی، مدیریت و رهبری، اجتماعی، فرهنگی، پژوهشی، معنوی، اخلاقی و مذهبی، جهانی و بین‌المللی، فردی، محیطی و سیاسی می‌دانند. هاشمی (۱۳۸۹) ویژگی‌های شهروند حرفه‌ای را به دو طبقه ابعاد فردی (اعتماد به نفس، احترام، استقلال، ابتکار، اراده و مسئولیت‌پذیری) و ابعاد اجتماعی (احترام به دیگران، مشارکت و ارتباط مؤثر با دیگران، دموکراسی و مردم‌سالاری، توجه به ارزش‌های اجتماعی، احترام به میراث فرهنگی و نهادهای ملی، احترام به قانون و عمل به قانون تحت هر شرایطی) تقسیم می‌کند. کوگان و همکاران (۲۰۰۰) معتقدند که باید توانایی‌های دانش‌آموزان در موقعیت‌های آموزشی گسترش یابد و نهادینه شود و موقعیت‌های منحصر به فرد دانش‌آموزان شناسایی شود. سپس

زمینه را برای ورود به قلمرو عمومی آنها فراهم کرد. دانش‌آموزان یا شهروندان باید از طریق بعد اجتماعی قادر باشند که در شرایط و موقعیت‌های مختلف فعالیت کنند و کنش متقابل داشته باشند. آن‌ها باید قادر باشند در مباحثات و مذاکرات به منظور مشارکت در زندگی عمومی و فائق آمدن بر مسائل و مشکلاتی که به طور فردی با آنها مواجه می‌شوند با دیگران گفتگو کنند و در یک فضای محترمانه به قضاوت رفتار یکدیگر پرداخته و بستر رشد ارزش‌های تازه را فراهم سازند. علاوه بر آن در بعد مکانی آنها اشاره می‌کنند که هر فردی فراتر از خود و جامعه پیرامونی در حیط چند جامعه محلی، منطقه‌ای و ملی و همچنین چندفرهنگی عمل می‌کند و در بعد زمانی شهروندی بر این موضوع تاکید دارند که شهروندان نباید خود را خیلی در زمان حال محدود کنند و از تحلیل گذشته و آینده غافل بمانند.

الگوی عمومی تربیت شهروند فعال و مطلوب معتقد است که ساختن چنین شهروندانی فقط به کمک کتاب درسی امکان‌پذیر نیست و باید در کنار این عامل بسترهای مناسبی در کلاس درس توسط معلمان طراحی و اجرا شود تا فرصت برای یادگیری گسترده و عمیق رفتارهای شهروندی امکان‌پذیر شود. الگوی دیگری آموزش شهروندی را از طریق اکتساب دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌های منتقل شده از نسل‌های بزرگسال به نسل‌های جوان و ناپخته برای زندگی اجتماعی تلقی می‌کند. این الگو بر این باور است که مجموعه خصلت‌های آموزشی که برای تربیت شهروندان در جوامع مختلف اولاً در دوره‌های مختلف از نظر اهداف، فلسفه، روش و محتوی متفاوت است. الگوی ارائه شده در پژوهش حاضر سعی کرده تا تمام مولفه‌ها و ابعاد الگوهای پیشین را مد نظر قرار دهد.

با توجه به ادبیات پژوهش و سند ملی آموزش و پرورش ایران در فلسفه تربیت مشارکت اجتماعی اولین مولفه‌ای است که به چشم می‌خورد و به‌عنوان مؤلفه تاثیرگذار بر تربیت شهروندی مطرح می‌شود. باید خاطر نشان کرد که تربیت افراد یک جامعه و متعاقباً یک سازمان با داشتن الگو و همکاری بیشتر با یکدیگر و وفاق و تعامل عملی می‌شود. مدیران و روسای سازمان آموزش و پرورش باید سازوکارهایی برای ایجاد این وفاق فراهم آورند تا بتوانند به‌عنوان یک مزیت رقابتی از آن استفاده کنند. وجود مشارکت اجتماعی و تعاملات بین فردی در بین معلمان آموزش و پرورش موجبات ترقی و چابکی سازمان را فراهم می‌آورد. در خصوص بعد فناوری اطلاعات باید عنوان کرد که مؤلفه به روز بودن باید در آن مورد توجه ویژه‌ای قرار

گیرد. برای این منظور باید آموزش‌های به روز و متناسب با پیشرفت فناوری‌ها را در اختیار معلمان قرار داد تا بتواند همگام با معلمان جهان پیرامون حرکت کنند. همچنین این آموزش‌ها باید متناسب با نوع تدریس و نوع درس و برنامه درسی باشد تا معلمان در تمام مقاطع بتوانند از فناوری اطلاعات استفاده بهینه کنند. همچنین این آموزش‌ها باید در دسترس باشند و معلمان به‌ویژه معلمان ابتدایی که زمان زیادی را در مدرسه می‌گذارند، مجبور نباشند برای آموزش از مدرسه خارج شوند. بعد بعدی مطرح شده و تاثیرگذار بر تربیت شهروند حرفه‌ای معلمان، توجه آنان به عنوان نیروی انسانی یک سازمان و سرمایه فکری است که آنان با خود به همراه دارند. از آنجایی که سرمایه‌های فکری و نیروی انسانی در سازمان‌ها مهمترین منابع سازمانی هستند و سازمان‌ها بدون وجود آنها قادر به ادامه کار نیستند، لذا عواملی که آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند و موجب تربیت آنان می‌گردند بسیاری مهم و ضروری هستند. از جمله این عوامل ایجاد توانایی و افزایش دانش، مهارت و جهانی اندیشیدن در آنها می‌باشد. همان طور که در ادبیات پژوهش نیز به آن اشاره شد شهروند آینده باید چشم‌اندازی سازگارتر با آینده را در خود پرورش دهد تا بتواند شقوق مختلف آینده را تصور کند. بعدی دیگری که مطرح می‌شود و بر تربیت شهروند حرفه‌ای در بین معلمان ابتدایی تاثیرگذار است، توجه به معیارهای ارزیابی است. واضح است که ارزیابی جزء لاینفک هر برنامه آموزشی است. چون که با استفاده از آن به نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌های جدید می‌توان دست یافت. از این رو در تمام مراحل شد و تربیت معلمان باید مد نظر قرار گیرد. این ارزیابی باید بر اساس یک سری معیارهایی انجام پذیرد. یکی از این معیارها میزان دانش معلمان است. استانداردها و منابع آموزشی و نحوه ارائه آنها بعد دیگری است که بر تربیت شهروند حرفه‌ای در بین معلمان ابتدایی نقش دارد. در این خصوص و با توجه به ادبیات پژوهش می‌توان خاطر نشان کرد که آموزش استفاده از برنامه‌های درسی مجزا تأثیر بسزایی در تربیت حرفه‌ای معلمان دارد. برنامه درسی مجزا آموزش شهروندی معلمان در قالب یک برنامه درسی خاص و جدا از سایر برنامه‌های درسی است. این آموزش‌ها می‌توانند در قالب آموزش‌های ضمن خدمت باشند، اما جدا از طرح درس و آموزش معلمان به شیوه‌های تربیت شهروندی پردازند.

یکی از عوامل فرایند تربیت شهروند حرفه‌ای، آموزش‌های شهروندی است که یکی از مهمترین آموزش‌هایی است که معلمان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آماده‌سازی معلمان از نظر دانش و

درک کافی درباره تاریخ ملی و نشان دادن ارزش‌های ملی و هویت ملی آنان و تلاش برای بهبود آنها و ارائه برنامه‌هایی جهت آماده‌سازی معلمان از نظر دانش درباره ساختارهای موجود و آگاهی از اتفاقات رخ داده در آموزش و پرورش نقش مهمی دارد. همچنین افزایش آگاهی معلمان نسبت به فرایندهای دولت و زندگی سیاسی متمرکز، آموزه‌هایی است که در آموزش برای شهروندی باید مورد توجه قرار گیرد. بعد بعدی که در فرایند تربیت معلمان به‌عنوان شهروند حرفه‌ای نقش ایفا می‌کند، بعد پداگوژی و توجه به آن است. در واقع پداگوژی نوع فن تعلیم و آموزش است که با استراتژی‌های آموزشی، اعتقادات فلسفی خود معلم از آموزش به وسیله دورنمای دانش و تجارب شاگردان، موقعیت‌های شخصی و محیطی و نیز اهداف یادگیری از طریق تعامل فراگیران و معلمان سروکار دارد. بر این اساس معلمان باید از دانش کافی در این زمینه برخوردار باشند و آموزش‌های لازم را دیده باشند. به عبارت دیگر پداگوژی هنر یا علم وجودی یک معلم است. این اصطلاح عموماً به استراتژی‌ها یا راهبردهای آموزش مربوط می‌شود که برخی از آن به‌عنوان سبک یادگیری نیز یاد می‌کنند. بعد دیگر که یکی از مهمترین ابعاد فرایند تربیت شهروند حرفه‌ای است، محتوای آموزشی می‌باشد که به هر مطلبی که در آموزش وجود دارد و آموزش را تسهیل می‌کند، اطلاق می‌شود. این محتواها چندین نوع هستند و شامل محتواهای دانشی، مهارتی و نگرشی می‌باشند که هر کدام بر مبنای ارتقای دانش، مهارت و نگرش تدوین شده‌اند. در محتوای دانشی که به معلمان ارائه می‌شود باید به گونه‌ای باشد که منجر به توانایی تحلیل اطلاعات دریافتی گردد، بر ایفای وظایف توسط معلمان تاکید داشته باشد و از همه مهمتر اینکه باعث دیدی انتقادی گردد. بعد دیگر کارکردهای پنهان تربیت است. برنامه درسی پنهان یکی از مولفه‌های مهم است که این برنامه نه در جایی نوشته شده و نه هیچ معلمی آن را درس می‌دهد. بلکه محیط آموزشی مدرسه با تمام خصوصیاتش آن را آموزش می‌دهد. صرف نظر از اینکه معلمان مدرسه تا چه اندازه متبحر و شایسته هستند یا برنامه درسی تا چه حد پیشرفت کرده است، دانش‌آموزان و معلمان اتفاقاً در معرض چیزی قرار می‌گیرند که هیچ‌گاه سخنی از آن در میان نبوده است. آن‌ها به مرور تحت تأثیر برنامه درسی پنهان مدرسه قرار می‌گیرند و تغییر می‌یابند.

با توجه به یافته‌ها برنامه‌ریزان و مسئولان باید به درون‌داد، فرایند و برون‌دادها توجه نمایند و بر اساس آنها برنامه‌های مناسبی برای تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور

طراحی و به کمک متخصصان کارآزموده اقدام به آموزش آنها کنند. آموزش برنامه‌های طراحی شده در قالب کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان و حتی برای دانشجو معلمان (معلمان آینده) می‌تواند نقش موثری در تربیت شهروند حرفه‌ای داشته باشد.

منابع

الهیاری، زهرا. (۱۳۹۴). **بررسی وضعیت آگاهی و سواد اطلاعاتی دانشجویان از شهروند حرفه‌ای در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

پورطهماسبی، سیاوش و تاجور، آذر. (۱۳۹۰). حقوق و تربیت شهروندی در نهج‌البلاغه. **پژوهش‌نامه علوی**، ۲(۲)، ۲۳-۱.

عابدی کوشکی، سارا و زین‌آبادی، حسن‌رضا. (۱۳۹۵). نقش فضیلت سازمانی مدارس در رفتار شهروندی سازمانی معلمان: آزمون اثر مستقیم و غیرمستقیم با میانجیگری رضایت شغلی. **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، ۱۰(۴)، ۱۴۰-۱۲۵.

فزونی شرجینی، رضا؛ پیری، موسی و اسدیان، سیروس. (۱۳۹۵). چالش‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در تربیت شهروندی اجتماعی بر اساس الگوی تایلر. **مجله نظریه و عمل در برنامه درسی**، ۴(۷)، ۵۵-۸۰.

قائدی، یحیی. (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده. **مجله نوآوری‌های آموزشی**، ۵(۱۷)، ۲۱۰-۱۸۳.
قورچیان، نادرقلی و افتخارزاده، فرهاد. (۱۳۸۵). ارائه الگویی جهت تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزش عالی کشور در هزاره سوم. **مجله آینده پژوهش مدیریت**، ۸(۱۸)، ۸۰-۶۷.

کیشانی، فراهانی، عزت‌اله؛ فرمehنی فراهانی، محسن و رهنما، اکبر. (۱۳۹۲). مولفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی-ایرانی. **فصلنامه مطالعات ملی**، ۱۴(۴)، ۷۴-۵۱.

محمدی، حسین؛ مزیدی، محمد و بهشتی، سعید. (۱۳۹۶). تحلیل مفهومی مراحل و ابعاد تربیت شهروندی. **فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، ۸(۴)، ۱۰۶-۸۳.

هاشمی، شهناز. (۱۳۸۹). تربیت شهروندی در کشور ژاپن. **مجله پژوهش‌های مدیریت**، ۹(۲)، ۳۸-۲۸.

Beaulieu, E., & LeThiec, M. (2017). **The NCLC in minority settings: past and future projects**. Language is the Key: University of Ottawa Press.

Bee, C. (2017). **Active citizenship and its components**. In active citizenship in europe (pp. 57-79). London: Palgrave Macmillan.

Chandler, P. T., & Hawley, T. S. (2017). **Using racial pedagogical content knowledge and inquiry pedagogy to re-imaging social studies teaching and learning**. Race Lessons: Using Inquiry to Teach about Race in Social Studies.

Groves, T., Townson, N., Ofer, I., & Herrera, A. (2017). **Professional citizenship in the workplace: teachers' civic initiatives**. in social movements and the Spanish transition (pp. 73-95). Cham: Palgrave Macmillan.

- Hollandsworth, R., Donovan, J., & Welch, M. (2017). Digital citizenship: you can't go home again. **Tech Trends**, 61(1), 1-7.
- Huda, M., Sabani, N., Shahrill, M., Jasmi, K. A., Basiron, B., & Mustari, M. I. (2017). **Empowering learning culture as student identity construction in higher education**. In Student Culture and Identity in Higher Education, IGI Global, 160-179.
- Koutselini, M. (2009). The role of informal curriculum on citizenship education: Gender representations in TV and students' gender stereotypes. **Social Science Tribune**, 14(55), 137-151.
- Mok, M., & Lee, W. O. (2017). **Paradigm shifts in assessment for learning: a secondary analysis of the international civic and citizenship study (ICCS) 2009**. In Life in Schools and Classrooms: Springer Singapore.
- Reed, B. S., Said, F., & Davies, I. (2017). Heritage schools: a lens through which we may better understand citizenship and citizenship education. **Citizenship Teaching & Learning**, 12(1), 67-89.
- Rubenstein, R. E. (2017). **Civil rights and the charter school choice: how stricter standards for charter schools can aid educational equity**. Dissertation, University of Richmond in Virginia: School of Law.
- Spektor-Levy, O., & Abramovich, A. (2017). From hesitant to environmental leader: the influence of a professional development program on the environmental citizenship of preschool teachers. **Eurasia Journal of Mathematics, Science & Technology Education**, 13(3), 649-671.
- Shahri M. H. M., Abdi, S., Yazdankhah, M., & Heydari, F. (2015). The relationship between empowerment and organizational citizenship behavior of staff in youth and sports general office of Khorasan Razavi. **International Journal of Sport Studies**, 5(4), 475-481.